

عدالت‌سنجی «شغل خانه‌داری» زنان خانه‌دار*

- الهام شریفی^۱
- سعید رهایی^۲
- مسعود راعی^۳

چکیده

عدالت، در سلسله علل احکام است و از آنجا که منابع فقهی و احکام عملی یکی از منابع قانون‌گذار است، عدالت نیز باید به عنوان «تراز و میزان» سنجش قوانین در نظر گرفته شود. در این راستا اگر قانونی با آن سازگار نباشد، باید مورد بازبینی قرار گیرد و خلأ موجود در آن برطرف گردد. در این میان، حقوق زنان با عدالت بیشتر گره می‌خورد؛ چرا که در زمان‌های گوناگون به انحای مختلف، چه در اجتماع و چه در خانه، ظلم‌هایی به این قشر روا گردیده که باعث عدم

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹.

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (el.sharifi95@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه مفید قم (نویسنده مسئول) (srahaei@gmail.com).

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (masoudraei@yahoo.com).

تبادل حقوق آنان شده است. یکی از مفاهیم مرتبط با حقوق زن‌ها که به نظر می‌رسد با عدالت ناسازگار است، تعریف «خانه‌داری» است. طبق تعاریف رسمی، خانه‌دار فردی غیر فعال در جامعه و اقتصاد در نظر گرفته شده است. در این مقاله، از زاویه عدالت به این تعریف پرداخته شده و با آموزه‌های دینی و حقوقی تطبیق داده شده است تا مشخص شود که نه تنها تعریف فوق، تعریفی عادلانه از خانه‌داری نیست، بلکه با نگاه عادلانه، خانه‌داری به عنوان یکی از شریف‌ترین مشاغل لحاظ می‌شود که باید دارای حقوق و مزایای قانونی باشد. **واژگان کلیدی:** عدالت، خانه‌داری، اشتغال، کار، ارزش افزوده، حقوق زن.

بیان مسئله

یکی از مباحث مرتبط با عدالت و حقوق زن‌ها در جامعه امروز، رابطه عدالت و شغل دانستن خانه‌داری زن‌هاست. برای ورود به بحث ضروری است که ابتدا برخی مفاهیم همچون «عدالت و اهمیت آن» و «اشتغال، کار، خانه‌داری» روشن شود و مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

عدالت و اهمیت آن

ضرورت، ارزش و اهمیت عدالت از آن جهت است که عدالت یکی از خواسته‌های همیشگی بشر بوده است. شاید اولین هدف ناگفته آدمی در اجتماع، تکاپو برای دستیابی به عدالت بوده است تا از ستم دیگران رهایی یابد. اگر عدالت نبود، چه بسا بشر هرگز به محدود شدن آزادی خود در روابط اجتماعی داخلی و بین‌المللی تن در نمی‌داد. از دیگرسو، یکی از واقعیت‌های انکارنشده و اصول ثابت شده فلسفه تاریخ آن است که: «هر گاه ناعدالتی فزونی یافت، زمینه‌های افول و انحطاط تمدن‌ها فراهم گردید».

عدالت، بنیان و زیربنای حرکت اجتماع است و اگر اجتماع از مسیر عدالت منحرف گردد، به سمت نابودی پیش می‌رود.

در اندیشه دینی، عدالت معیار و مقیاس همه چیز است؛ بدین معنا که باید اسلامی بودن تمامی قوانین با آن ارزیابی شود و به گفته فقیه و اسلام‌شناس شهیر: عدالت، در سلسله علل احکام است، نه در سلسله معلولات. نه این است که آنچه دین گفت، عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌باشد (مطهری، ۱۴۰۳: ۱۴).

اگر عدالت تأمین شود، حقوق انسان و کرامت بشری هم تأمین می‌شود و انسان‌ها به حقوق و آزادی خود می‌رسند. بنابراین عدالت محور همه چیز است و قسط و عدل یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است (جاویدی، ۱۳۹۲: ۵۷ و ۹۵).

عدالت در معانی متعددی به کار رفته است: به معنای استقامت (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل لغت)؛ حکم به حق (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۳۰)؛ مساوات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۱)؛ همچنین از آن به «انصاف»، «تساوی» و «قسط» نیز تعبیر شده است (موسی و صعیدی، ۱۴۱۰: ۲۴۲/۱).

مشهورترین و باسابقه‌ترین تفسیر برای عدالت این است که عدالت اعطای حق هر ذی‌حقی به اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۳۷۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۴/۴۲۷).

به بیان دیگر، عبارت «وضع الشیء فی موضعه» به تبیین حقیقت عدل در «هست‌ها» یعنی در عرصه جهان‌بینی می‌پردازد (عدالت تکوینی) و عبارت «إعطاء کلّ ذی حقّ حقّه» به تحقق عدالت در «بایدها» و احکام و اخلاق نظر دارد. (عدالت تشریحی)

عدالت میزان و ترازویی است که به عنوان سرسلسله علل احکام است. بنابراین به عنوان چراغ و معیاری است که قواعدی چون «لاضرر»، «لاضرر»، «لاجرم»، «درأ» و حتی عرف‌های عام و بنای عقلایی هم در پرتو آن محک می‌خورند و میزان و معیار بودن خود را از آن «کانون» می‌گیرند (مه‌ریزی، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

اشتغال، کار، خانه‌داری

اشتغال از جمله مفاهیم بنیادین و کلیدی است که در هر فرهنگی معنایی متفاوت می‌یابد. امروز در جامعه ما نیز اشتغال اغلب به همان معنای رایج در غرب^۱ به کار می‌رود؛ یعنی کار درآمدزا. در این فرهنگ، شاغل به کسی گویند که در ازای کار، دستمزدی دریافت کند (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱/۶۶۸).

اما کار به معنای عام، هر چیزی است که برایش انرژی صرف می‌شود؛ چه رسمی باشد و چه غیر رسمی؛ مزدبگیر باشد یا فی‌سبیل‌الله (باقری، ۱۳۸۲: ۷؛ توسلی، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۱).

1. Employment.

بنابراین تعبیر کار خانگی، خانه‌داری، پرورش فرزند، فعالیت زن‌های روستایی در بخش کشاورزی و... نیز به مفهوم کار است. در متون دینی نیز بر این معنا از کار تأکید شده است. شغل در فرهنگ اسلامی بر مفهوم «کار» تأکید دارد و همه مکلف به آن هستند (مطهری، بی‌تا: ۲۲/۷۸۵).

این در حالی است که در کشور ما، خانه‌داری شغل حساب نمی‌شود و جزء مشاغل نیز دسته‌بندی نمی‌شود و خانه‌دار با ارائه انواع خدمات مهم و ضروری و کارآمد، بیکار محسوب می‌شود؛ آن هم تنها با این استدلال که از خانه‌داری درآمدی حاصل نمی‌شود.

مطابق تعریف مرکز آمار ایران، «خانه‌دار فردی است که شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل به حساب نمی‌آید» (دفتر آمارهای اجتماعی اقتصادی خانوار مرکز آمار ایران، ۱/۷۹/۸۱). مسئله و مشکل اصلی تعریف فوق آن است که فعال‌ترین عضو خانه را بیکار می‌دانیم؛ آن هم فقط به این دلیل که به طور مستقیم پولی از خدماتش به دست نمی‌آید. این طرز تلقی، نوعی بی‌عدالتی به حساب می‌آید. کسی که در طول زندگی‌اش حتی زمانی که پیر و فرتوت شده، بار مسئولیت از دوش نمی‌اندازد و به خانه و اعضای خانواده متعهد می‌ماند، دور از عدالت است که عنصری غیر فعال شمرده شود. علاوه بر آن، این مسئله از منظر اقتصادی نیز قابل بررسی است. هر خدمتی که در خانه ارائه می‌شود، اگر زن خانه انجام ندهد، اعضای خانواده مجبور می‌شوند کسی را در ازای دریافت پول به خدمت بگیرند. پس فعالیت زن در خانه، نوعی پس‌انداز است که البته به چشم نمی‌آید.

از سوی دیگر، خانه‌داری حتی ارزش افزوده نیز دارد؛ برای نمونه، اگر یک ماه هزینه کارهایی که زن در خانه انجام می‌دهد، محاسبه شود، ارزش کارش مشخص خواهد شد و مشاهده می‌شود که خانه‌داری زن علاوه بر سایر مزایایی که دارد از لحاظ اقتصاد فردی نیز مقرون به صرفه است و تأثیر زیادی بر اقتصاد جامعه دارد. بر اساس برآوردها، کارهای خانه‌داری بین ۲۵ تا ۴۰ درصد ثروت ایجادشده در کشورهای صنعتی را در بر می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۹۶).

علاوه بر این، فرایند مهم تربیتی، عاطفی، اخلاقی و... نیز بر حضور مؤثر زن در

خانه مترتب است. پس می‌بینیم که خانه‌داری نه فقط شغل محسوب می‌شود که در حلقه‌های اقتصادی، جایگاه مهمی را نیز به خود اختصاص می‌دهد.

در گزارشی که به درخواست دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی تدوین شد، این معضل دربارهٔ زنان روستایی بیشتر به چشم می‌خورد؛ چرا که با وجود نقش فعال آن‌ها در تولیدات کشاورزی به علت ادغام کار با زندگی، همواره مردان روستایی به عنوان کشاورز و زنان روستایی به عنوان خانه‌دار معرفی و شناخته می‌شوند و در محاسبه‌های آماری نیز جزء جمعیت غیر فعال شمرده می‌شوند. این در حالی است که زنان در بخش کشاورزی در هر سه مرحلهٔ کاشت، داشت و برداشت دخالت دارند و به عنوان کارگران خانوادگی بی‌مزد مطرح هستند که این امر باعث شده ارزش واقعی مشارکت زنان در تولیدات اقتصادی نمایان نباشد و حتی زن‌های روستایی فکر کنند که همهٔ تلاش‌هایشان جزء وظایف خانه‌داری است و ارزشی برای کار خود قائل نباشند (میرجلیلی و مقدس، ۱۳۸۴: ۱۰).

در این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا تعریف مرکز آمار از خانه‌داری به عنوان یک سند ملی، با عدالت و آموزه‌های دینی سازگار است یا خیر؟ و در صورت منفی بودن پاسخ، چاره چیست و راه حل کجاست؟

۱. دیدگاه اسلام دربارهٔ اشتغال زنان

کار، سیرهٔ حسنهٔ برگزیدگان الهی و سنت پیامبران بزرگ و روش نیکوی اولیای الهی بوده است. از نظر روانی نیز کار مفید و سازنده، نقش و تأثیر تربیتی بسزایی در انسان دارد. بنابراین اسلام همواره ضمن دعوت به کار، سستی و بطالت را نکوهش می‌کند. انسان از چند جهت به داشتن کار نیاز دارد. یکی نیاز جسمی برای امرار معاش و تأمین آنچه برای زندگی مورد نیاز است و دیگر نیاز روحی یعنی برطرف کردن نیازهای روان و التذاذ روحی و ذوقی است و در مرحلهٔ سوم، کار کمک به اقتصاد کشور و افزایش قدرت تولید است. از طرف دیگر، کار انسان را می‌سازد و تأثیری مثبت و سازنده بر روح و جان او دارد و شخصیت آدمی بر حسب نوع فعالیت‌های او شکل می‌گیرد (مطهری، بی‌تا: ۷۸۵-۷۸۷).

بر این اساس به بررسی دلایل اشتغال زنان در اسلام می‌پردازیم.

الف) قرآن کریم

بر اساس آیات قرآن، اشتغال حق زن است و در این جهت ممنوعیتی وجود ندارد: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ﴾ (نساء / ۳۲): برای مردها از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زن‌ها نیز از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.

اكتساب در لغت به معنای طلب رزق و تلاش در راه آن و تصرف در آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۱۶/۱). در تفسیرها، اکتساب به معنای آنچه انسان به دست می‌آورد و می‌تواند مالک آن شود، آمده است (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۵/۳). برخی مفسران نیز چنین آورده‌اند:

هر مالی که مردها یا زن‌ها به واسطه تجارت یا زراعت یا طرق دیگر کسب کنند، اختصاص به خود آنان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۷/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۴/۳).

آیات دیگری از قرآن نیز به اشتغال زنان پرداخته است؛ از جمله آیه‌ای که ماجرای دختران شعیب را بازگو می‌فرماید:

﴿وَجَدِمِن دُونِهِم امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ﴾ (قصص / ۲۳): پشت سرشان دو زن را یافتند که گوسفندان خود را دور می‌کردند.

این ماجرا نشان‌دهنده کار و اشتغال زنان در آن دوران است که قرآن نیز با آن مخالفتی نداشته است.

ب) سنت و سیره

در تاریخ اسلام نیز نمونه‌هایی از اشتغال زنان به چشم می‌خورد که مورد قبول رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفته است؛ از جمله زینب حواء معروف به عطاره، دست‌فروشی بود که به خانه‌های مردم مدینه سر می‌زد و به زن‌ها عطر می‌فروخت (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۳/۸) و عطر زنان پیامبر را نیز فراهم می‌کرد. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد خانه شد و او را دید و فرمود:

هر گاه تو می‌آیی، خانه ما خوشبو می‌شود و او عرض کرد که خانه شما با عطر وجودتان معطرتر است... (صدوق، ۱۳۶۳: ۲۷۶).

در منابع روایی، از گفتگوی پیامبر با زن‌هایی که به برخی جراحی‌ها و یا آرایشگری برای زنان می‌پرداختند، سخن به میان آمده که طبق آن، پیامبر این شغل را برای زنان مباح اعلام کرده بود (حزّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۹/۱۷-۱۳۱).

در عصر ظهور اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مواردی از شغل زنان به چشم می‌خورد؛ همچون همسر عبدالله بن مسعود و زینب بنت جحش که صنایع دستی می‌ساختند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۵۴/۸؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۵۴/۸).

در تاریخ آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به زن‌ها اجازه داده بود برای کسب رزق در روزهای عید خارج شوند و بساط خود را روبه‌روی مردم بگشایند (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۸۷/۳).

ام عطیة انصاری نیز از زن‌های ختّان و آرایشگر عصر نبوی بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۴۳۸/۸). چوپانی نیز جزء کارهایی بود که زنان انجام می‌دادند. قرآن کریم این کار را از دختران شعیب نبی علیها السلام گزارش می‌کند (ر.ک: قصص / ۲۳).

کارهای تجاری و امور خرد و کلان بازرگانی نیز تاریخی طولانی دارد. خدیجه کبری علیها السلام نمونه‌ای از زنان تاجر بود که با سرمایه‌گذاری و قرار دادن وکلای خود در تجارت، کاروان‌های بزرگی را اداره می‌کرد (همان: ۱۰۱/۸-۱۰۳). افزون بر وی، شفا بنت عبدالله از مهاجران زن، بازرگان زیرکی بود که پیامبر گاهی به دیدن وی می‌رفت (همان: ۲۰۳-۲۰۱/۸).

مامایی و تعلیم و تربیت نیز از جمله شغل‌هایی بودند که زنان از دیرباز بر دوش داشتند. وجود احکام شرعی مربوط به کسب‌های زنان در کتاب‌های فقهی، از وجود و جواز این شغل‌ها برای بانوان حکایت دارد.

۲. توجه به ارزش و اهمیت خانه‌داری در اسلام

از طرف دیگر، اسلام تأکید زیادی بر خانه‌داری دارد. خانه‌داری مساوی با بیکاری نیست، بلکه خانه‌داری و ایفای نقش مادری و همسری، بستر فرهنگ‌سازی و اصلاح اجتماع و رشد انسان‌هاست؛ همچنان که در آیات و روایات نیز به ارزش مادری و همسری زنان توجهی ویژه شده است.

قرآن مسئولیت حضانت و شیردهی فرزندان را در سال‌های اول به زن سپرده است: و مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. برای هر کس که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند (بقره/ ۲۳۳).

البته برای شیر دادن فرزند، مادر می‌تواند از همسرش مزد دریافت کند یا فرزندش را برای شیر دادن به زنی دیگر بسپارد و آن زنان می‌توانند برای این عمل مزد دریافت دارند:

اگر [پس از جدایی] برای شما شیر دهند، مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید و اگر کارتان با هم به دشواری کشید، زن دیگری بچه را شیر دهد (طلاق/ ۶).

فقیهان نیز پرداخت اجرت شیردهی را بر مرد واجب دانسته‌اند (سیوری حلی، ۱۴۲۵: ۲/۲۳۳).

در اهمیت خانه‌داری علاوه بر آیه‌های فوق که صراحت در ارزش کار زن در خانواده دارند، می‌توان به آیه‌های دیگری اشاره کرد که در آن‌ها الگوهای از زنان خانه‌دار و بادرایت به چشم می‌خورد؛ از جمله ساره همسر حضرت ابراهیم علیه السلام (ر.ک: هود/ ۶۹-۷۱) و خواهر حضرت موسی علیه السلام (ر.ک: طه/ ۴۰). از طرف دیگر، روایات فراوانی بر اهمیت و ارزش خانه‌داری تأکید می‌نمایند که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اهمیت و ارزش تربیت فرزندان در اسلام تا آنجاست که در برخی روایات، پاداش این کار بهشت شمرده شده است: بهشت زیر پای مادران است (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵/۱۸۰).

۲. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

خداوند جهاد هر یک از زن‌های امت من را صبر بر مشکلات زندگی و به حساب خدا گذاشتن آن‌ها قرار داده است؛ پس کسی که چنین کند، خداوند اجر شهید را به او عطا می‌کند (همان: ۲۵/۱۱).

۳. همچنین در جریان تقسیم کار بین حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام،

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خانه‌داری را هم جزء کارها و شغل‌ها شمرد و مسئولیت این امر مهم را بر عهده حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نهاد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱/۴۳ و ۸۱).

۴. در روایت‌های فراوانی نیز جهاد زن همسر داری او بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۷/۲۰؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۱۶/۴؛ نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۳۲). به استناد این حدیث، فقیهان تقویت روحیه همسر و نشاط دادن به وی برای جهاد و سایر فعالیت‌ها و تربیت صحیح فرزندان را مساوی با جهاد در راه خدا برای زن دانسته‌اند (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۳۴۶/۱). شکی نیست که پرداختن به این امور، جزء مسئولیت‌های زن در درون خانه است و انجام چنین اموری در خانه آن‌قدر اهمیت دارد که مساوی با جنگیدن با دشمن در صحنه نبرد است؛ چرا که اگر ایفای این امور مهم در درون خانه به خوبی انجام نشود، جامعه از زوایای گوناگون دچار آسیب جدی خواهد شد. در نتیجه زن شریک حقیقی مرد در خانه و جامعه است.

۵. بر اساس روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سختی و اجر بارداری و وضع حمل و شیردادن به کودک برای زن، معادل مرزبانی و محافظت از مرزهای اسلام است و مرگ او در این راه به منزله شهادت است (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۶۱/۳).

با تأمل در آیاتی که اشتغال را حق زن می‌داند و آیات و روایاتی که برای خدمت‌رسانی به خانواده، جایگاه و منزلت بالایی قرار داده است و با توجه به ادله فقهی که حق گرفتن مزد و حقوق در قبال کار خانه را به زن می‌دهد (سیوری حلی، ۱۴۲۵: ۲۴۳/۲)، می‌توان گفت که خانه‌داری نیز یکی از شریف‌ترین مشاغل در اسلام است.

۳. بررسی شغل خانه‌داری از زاویه عدالت

شغل خانه‌داری از نگاه عدالت نیز قابل‌بازبینی است؛ بدین معنا که عدالت، شاخص اصلی قوانین و احکام دین است و هر جا که قانونی با عدالت سازگار نباشد باید در آن بازنگری کرد (مهریزی، ۱۳۷۸: ۱۲۱) یا اگر قانونی ناعادلانه و ظالمانه است باید برداشته شود و یا اگر فقدان قانون در مسئله‌ای ظلم و بی‌عدالتی است، بر اساس اصل عدالت باید در آن زمینه قانون وضع شود؛ چرا که عدالت در سلسله علل احکام قرار دارد نه در سلسله معلولات (مطهری، ۱۴۰۳: ۱۴). در این باره به نظر می‌رسد که مسئله «شغل

خانه‌داریِ زنان خانه‌دار» از مواردی است که به طور جدی مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است، در حالی که بر اساس شاخص عدالت، این امر ضروری است.

تنها موردی که در این باره به چشم می‌خورد، برخی حمایت‌های پوششی سازمان تأمین اجتماعی است که بر اساس آن از سال ۱۳۸۷ زنان خانه‌دار می‌توانند با پرداخت مبلغی به صورت ماهیانه، از برخی خدمات بیمه‌ای تأمین اجتماعی استفاده نمایند. البته این نوع بیمه نیز دارای نقایصی است؛ اول اینکه بیمه برای زنان خانه‌دار به نرخ آزاد محاسبه می‌شود، در حالی که زنان خانه‌دار به خودی خود درآمدی ندارند تا چنین هزینه‌ای را به صورت ماهیانه به صندوق تأمین اجتماعی بپردازند. دوم اینکه زنان خانه‌دار باید به مدت بیست سال تمام، حق بیمه را به صندوق تأمین اجتماعی بپردازند تا بعد از آن به عنوان بازنشسته مستمری دریافت نمایند. این در حالی است که در طول این بیست سال عمر مفید، وی حقوقی دریافت نمی‌کند. سوم اینکه برای استفاده از حمایت‌های فوق، شرط سنی لحاظ شده است، بنابراین به طور طبیعی این بیمه شامل برخی از گروه‌های سنی نمی‌شود.

بنابراین با توجه به اهمیت حفظ کانون خانواده توسط زن و سفارش‌های فراوان اسلام در این زمینه و ارزش افزوده‌ای که زن در خدمات خانوادگی ارائه می‌دهد و حق اکتسابی که خداوند برای زن قرار داده است، عدالت اقتضا می‌کند که برای جمع بین حق زن (حق اکتساب) و مسئولیتی که به عنوان مادر و همسر خانواده بر عهده وی گذاشته شده است، حقوق و مزایایی در قبال خدماتی که انجام می‌دهد، دریافت کند. برخی از این حقوق و مزایا را شرع مقدس تعیین نموده است؛ مانند حق گرفتن اجرت در قبال شیردهی از همسر (سیوری حلی، ۱۴۲۵: ۲/۲۳۳) و حق گرفتن اجرة المثل کارهایی که در طول زندگی مشترک در خانه همسر انجام داده است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۶۶/۷).

قانون نیز به حکم عدالت باید علاوه بر دستمزدی که همسر موظف است در قبال خدمات زن در خانواده به وی بپردازد، حقوق، مزایا و تسهیلاتی را در مقابل ارزش افزوده کار زن در اختیار او قرار دهد تا زن نیز به یک امنیت روانی از جهت تأمین و تضمین آینده خویش و ایام پیری برسد و مجبور نباشد که برای تأمین و تضمین آینده خود به دنبال هر شغلی بگردد و با هر شرایطی، بیرون از خانه مشغول کار شود و به

تعبیری دیگر، برای تأمین دل‌نگرانی آینده مبهم خود، محوریت خانواده را رها کرده و یا کمتر بتواند به اعضای خانه رسیدگی کند. شاید بزرگ‌ترین دغدغه زنان شاغل در خارج از منزل، همین ترس و نگرانی از آینده یا عدم تأمین مالی آن‌ها توسط شوهر در زمان حال باشد و همین عدم تأمین اقتصادی یا به تعبیری احساس ناامنی اقتصادی، ناخودآگاه او را به سمت اشتغال در خارج از منزل می‌کشاند.

۴. ارزش افزوده کار زنان در خانه

پژوهش‌ها و مستندات در دست است که ثابت می‌کند خانه‌داری شغل است؛ از جمله تحقیقی که با عنوان «ارزش افزوده کار خانه‌داری و عوامل مؤثر بر آن» به چاپ رسید. محور تحقیق این بود که خانه‌داری دارای ارزش اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و مشتمل بر فعالیت‌هایی متنوع که البته پنهان و نامحسوس است. این تحقیق نشان داد که چون نقش خانه‌داری در اقتصاد و اجتماع تبیین نشده، فعالیت زنان در خانه، در محاسبات و آمارگیری‌های ملی لحاظ نمی‌شود، در حالی که ارزش افزوده خانه‌داری را در هر روز، هفته، ماه و سال می‌توان محاسبه کرد.

در این تحقیق به منظور محاسبه ارزش افزوده کار خانه‌داری زنان در سال ۱۳۸۸، هشت فعالیت شاخص، شامل: آشپزی، ظرف‌شویی، نظافت خانه، لباس‌شویی، مراقبت از کودکان، مدیریت تحصیلی فرزندان ابتدایی، راهنمایی و دبیرستانی (بر اساس نرخ هزینه تدریس معلم خصوصی) مدنظر قرار گرفت که میانگین ارزش افزوده برآوردشده برای جامعه آماری حدود ۲۰۰۰ نفر زن خانه‌دار، بالغ بر ۱/۶۰۰/۰۰۰ ریال در هفته و ۶/۴۰۰/۰۰۰ ریال در ماه گردید (باقری، ۱۳۹۰: ش ۱۰۱/۳ به بعد). البته چون این پژوهش در سال‌های پایانی دهه ۸۰ انجام شد، ملاک محاسبه قیمت‌ها حداقل دستمزد تعیین شده از سوی وزارت کار در سال ۱۳۸۸ بود که با نرخ‌های کنونی، رقم‌ها بسیار بالاتر از این خواهد بود.

خانه‌داری در اقتصاد، فرهنگ و اجتماع مؤثر است. وقتی زنی خانه‌دار با تلاش‌هایش کانون خانواده را گرم می‌کند و با تربیت فرزند، به ایجاد نسلی تحصیل کرده و موفق کمک می‌کند، به فرهنگ و اجتماع خدمت می‌دهد، ضمن اینکه او با ارائه

فعالیت‌های رایگان به خانواده، به اقتصاد آن نیز کمک می‌کند، چون اگر او دست از کارهای خانه می‌کشید و اعضای خانواده مجبور می‌شدند برای دریافت هر خدمتی پول بدهند، فشار اقتصادی بر آن‌ها تحمیل می‌شد. اما در فرهنگ ما زن‌ها چنین نمی‌کنند و چون بی‌دریغ در خانه کار می‌کنند، تلاش‌هایشان به چشم نمی‌آید و بی‌ثمر تلقی می‌شود، در حالی که کار زنان در خانه، نوعی از تولیدات پنهان جامعه است و می‌تواند در محاسبه‌های ملی دیده شود؛ اما فعلاً این اتفاق نمی‌افتد، در صورتی که اگر ارزش ریالی فعالیت‌های خانهداری محاسبه شود، همگان خواهند دید که سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی از این فعالیت‌ها ناشی می‌شود.

۵. عدالت‌سنجی تدابیر اسلام جهت اولویت خانهداری

اسلام جهت رعایت عدالت در خانهداری و خانواده‌محوری زنان، تدابیری اتخاذ نموده است از آن جمله:

الف) نفقه: وجوب نفقه زن بر مرد جزء امور واضح فقه و حقوق اسلامی است (عاملی جبعی، بی‌تا: ۴۶۵/۵؛ قانون مدنی، ماده ۱۱۰۶) در این زمینه، آیات و روایات بسیاری موجود است. بر اساس این گونه مستندات فقهی، مخارج کامل خوراک و پوشاک زن بر عهده مرد است (سیوری حلی، ۱۴۲۵: ۲/۲۳۴).

یکی از مهم‌ترین دلایلی که اسلام نفقه زن را بر مرد واجب کرده است، آن هم به گونه‌ای که در شأن اوست، همین است که زن دغدغه تأمین مالی خود را نداشته باشد و بدون هیچ نگرانی به ارائه خدمات خانوادگی بپردازد.

روایت‌های متعددی درباره وجوب نفقه زن بر مرد وارد شده است که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند متعال: «وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ بِمَا آتَاهُ اللَّهُ» فرمود:

اگر مرد خوراک و پوشاک زن را تأمین کرد که هیچ و اگر تأمین نکرد، بین زوجین طلاق جاری می‌شود (زن حق دادخواست دارد و قاضی مرد را مجبور به یکی از امور می‌کند؛ پرداخت نفقه زن یا طلاق او) (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۵۰۹/۲۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۱۷۷).

ب) مهریه: اسلام به محض عقد، زن را مالک مهریه دانسته (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸۷/۳۲؛ طباطبایی حائری، بی‌تا: ۱۴۱/۲) و برای آن نیز سقفی معین نکرده است (عاملی جبعی، بی‌تا: ۳۴۳/۵)، هرچند که مهریه کم را مستحب دانسته (همو، ۱۴۱۳: ۱۹۹/۸) و به زن نیز حق داده تا زمانی که مهریه را دریافت نکرده است، می‌تواند از اولین تمکین خودداری کند (همو، بی‌تا: ۳۶۹/۵) و مهریه را دینی بر عهده مرد دانسته که زن هر گاه اراده کند یا نیاز به آن داشته باشد، می‌تواند آن را مطالبه کند.

ج) سفارش به همیاری مرد با زن در امور خانه: سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود که خود در امور خانه کمک می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۴۲۳/۱؛ قاضی عیاض، بی‌تا: ۱۷۱-۱۷۰/۱). حضرت علی علیه السلام نیز در امور خانه به همسر بزرگوار خویش کمک می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/۴۳؛ شعیری، ۱۴۰۶: ۹۹-۹۸). روایت‌هایی نیز در این باره از ائمه اطهار وجود دارد (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۹۶/۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۸۶/۵).

از آیات و روایات موجود می‌توان نتیجه گرفت که اسلام نیز بر مبنای عدالت، تمام زمینه‌های لازم را برای تأمین اقتصادی زنان در جهت کار آنان در خانه فراهم کرده و به تعبیری می‌توان از ادله برداشت کرد که شغل خانهداری زنان مورد تأیید شارع مقدس قرار گرفته است. شارع نیز نه تنها بر خلاف عدالت حکم نمی‌کند بلکه قوانین الهی بر مبنای عدالت است.

۶. عدالت‌سنجی نظام حقوقی ایران در بهبود جایگاه زنان

۱-۶. قانون اساسی

۱. در مقدمه قانون اساسی آمده است:

زنان به دلیل ستم بیشتری که تا کنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن فرصت‌ها جهت نیل به این مقصود از وظیفه‌های حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت ابزاری خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پراج

مادری در پرورش انسان‌های مکتبی، پیش‌آهنگ و خود هم‌رمز با مردان در میدان‌های فعال حیات حرکت می‌کند و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود (جهانگیر، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲).

همان‌طور که ملاحظه شد، قانون اساسی نیز خانواده را به عنوان واحد بنیادین جامعه برشمرده، معتقد است که رشد و حرکت تکاملی جامعه در کانون خانواده شکل می‌گیرد و حکومت اسلامی را موظف کرده تا زمینه‌ها و فرصت‌های لازم را برای رسیدن به چنین هدفی فراهم آورد.

بدیهی است برای رسیدن به چنین هدف والایی، زن عنصر اساسی است. پس اگر زن در تربیت انسان‌های دین‌مدار جامعه‌ساز، هم‌رمز مردان حساب می‌شود، عدالت اقتضا می‌کند که بدون داشتن دغدغه‌های مالی و اقتصادی و نگرانی از آینده خویش، به وظیفه خطیر و پراج مادری پردازد.

قانون اساسی نیز برای رعایت اصل عدالت در چنین موردی، حکومت اسلامی را موظف به فراهم کردن امکانات لازم برای رسیدن به چنین هدفی کرده است و یکی از ابزارها و زمینه‌های لازم در این زمینه، شغل دانستن خانه‌داری است تا در راستای آن، حق بیمه و بازنشستگی زنان نیز تأمین گردد.

۲. اصل ۳: بند ۹ این اصل، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌سازد که همه امکانات خود را برای برقراری عدالت و رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی به کار گیرد (همان)؛ چنانچه در روایات نیز از ظلم و تبعیض ناروا به «ذنب لایغفر» (گناه نابخشودنی) تعبیر شده است (پابنده، ۱۳۸۲: ۴۹۴).

همچنین بند ۱۲ این اصل، حق کار را حق لاینفک همه انسان‌ها شناخته است و دولت را موظف می‌داند که برای نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی، همه امکانات خود را برای پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه به کار گیرد.

بند ۱۴ نیز تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را از دولت خواسته است (جهانگیر، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲).

بدیهی است که یکی از مصادیق برقراری عدالت و رفع تبعیضات ناروا و تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد، آن است که خانه‌داری زن نیز شغل محسوب شود.

۳. اصل ۲۰:

همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (همان).

اصول ۳ و ۲۰ تأکید بسیاری بر روی برابری و تساوی انسان‌ها دارند که ریشه آن به مبانی اسلامی برمی‌گردد. پس زنان نیز مانند مردان باید از حمایت‌های دولت بهره‌مند شوند (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۴۱۵). گفتنی است که یکی از مبانی مهم اسلامی بلکه اساسی‌ترین آن، اصل عدالت است؛ چنان که فقیهان آن را در سلسله علل احکام قرار داده‌اند (مطهری، ۱۴۰۳: ۱۴).

خداوند متعال نیز هدف اصلی از ارسال رسل را برقراری عدالت دانسته است: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید/ ۲۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، همراه کردن بینه، معجزه و کتاب با پیامبران، کمک به برپایی عدالت است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

هیچ پدیده‌ای مثل عدالت، موجب آبادانی شهرها و سرزمین‌ها نمی‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۲۳).

۴. اصل ۲۱: دولت موظف است حقوق زن را در تمام وجه‌ها با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و موارد زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- حمایت مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

با در نظر گرفتن مقدمه و اصل ۲۱ به این نتیجه می‌رسیم که همه افراد جامعه باید

بتوانند با برخورداری از مساعدت‌های مقرر اجتماعی، با اطمینان خاطر و آن گونه که لازمه منزلت انسانی، ارتقای شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی‌شان است به زندگی خود ادامه دهند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۱۲). بنابراین زن خانه‌دار نیز باید چنین امنیت خاطری داشته باشد که لازمه آن شغل دانستن خانه‌داری است. در این صورت است که می‌توان ادعا کرد که قانون به طور عادلانه، زمینه‌های مساعد برای احیای حقوق مادی و معنوی زن را فراهم کرده و او را تحت حمایت عادلانه خود قرار داده است.

در بند ۴ همین اصل نیز اشاره به بیمه خاص زنان بیوه، سالخورده و بی‌سرپرست شده است. شاید از لفظ زنان سالخورده بتوان استنباط کرد که سالخوردگی خصوصی ندارد؛ چرا که معضل بیمه، معضل تمام زنان خانه‌دار است. بنابراین عدالت اقتضا می‌کند که بیمه شامل تمامی زنان خانه‌دار بشود.

۵. اصل ۲۹: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حادثه و سانحه، نیاز به خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

به طور یقین عدالت اقتضا می‌کند که این اصل شامل زنان خانه‌دار نیز بشود.

۶. اصل ۴۳: در بندهای ۲، ۳، ۴ و ۹ این اصل با اشاره به تأمین شرایط و امکانات کار برای همگان به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند و همچنین تأکید بر رعایت آزادی شغل و عدم اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری و نیز دادن فرصت کافی به افراد تا در کنار اشتغال بتوانند به خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و... بپردازند، موارد دیگری از تأمین اجتماعی را می‌شمارد که با عمومیت آن به حمایت از زنان خانه‌دار می‌پردازد؛ چرا که حقوق اساسی ایران، تأمین اجتماعی را به عنوان یک حق مسلم و همگانی (و نه به عنوان یک حق ناشی از قرارداد) اعلام، و دولت را مکلف می‌کند که در حدود قوانین، خدمات و حمایت‌های مالی مذکور را برای تمام افراد کشور اعم از زن و مرد تضمین نماید (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

۲-۶. قانون مدنی

۱. ماده ۱۱۷۶:

مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر دهد، مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.

طبق این ماده که برگرفته از فقه اسلامی است، مادر اختیار دارد که اگر خواست به فرزند شیر دهد؛ زیرا اجبار او ممکن است موجبات ضرر جسمانی او را فراهم آورد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۴۳/۲). این دستور به وضوح اعلام حمایت از زن خانه‌دار می‌کند و چنان که قبلاً اشاره شد زن حق دارد برای شیر دادن به فرزند از همسر خود مزد دریافت کند.

۲. ماده ۱۱۰۴:

زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

برخی حقوق دانان قائل اند که ماده فوق صرفاً یک دستور اخلاقی نبوده و دارای ضمانت اجرایی قانونی است که در صورت تخلف از طرف زوجه، نشوز محسوب می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۶۱). اما برخی دیگر از حقوق دانان معتقدند که این ماده صرفاً دستوری اخلاقی است؛ چرا که مصادیق نشوز در فقه کاملاً مشخص است و عدم انجام امور منزل یا تربیت فرزند، جزء وظایف زن شمرده نشده است تا تخطی از آن نشوز به شمار آید (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲۸۷).

در نتیجه هرچند قانون از زن و مرد خواسته است که همدیگر را در امور خانه و تربیت فرزندان یاری دهند، اما انجام این امر را وظیفه زن نمی‌داند؛ زیرا فقه انجام این امور را جزء مسئولیت‌های خانگی زن ندانسته است. بنابراین به نظر می‌رسد که این ماده، نوعی حمایت اجتماعی از حقوق زنان خانه‌دار باشد و در واقع به این نکته سوق می‌دهد که هرچند زن از نظر اخلاقی در امور منزل همکاری می‌کند، وظیفه‌ای در قبال آن ندارد و مردان باید علاوه بر در نظر گرفتن حقوقی برای آنان در قبال انجام امور خانگی، ایشان را نیز در این امور معاضدت نمایند.

۳. ماده ۱۰۸۲:

به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

۴. ماده ۱۱۱۸:

زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.

۵. مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷:

- در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است.
- نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث منزل که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم، در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.

همان طور که قبلاً هم اشاره شد، تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن به عهده مرد است و زن از این نظر هیچ گونه مسئولیتی ندارد و این اختصاص به موردی ندارد که زن از تأمین آن عاجز باشد، بلکه حتی اگر دارای ثروت کلانی هم باشد، نمی‌توان او را ملزم کرد که از دارایی شخصی‌اش مایحتاج خویش را فراهم کند.

ماده ۱۱۲۹:

در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

بر اساس این ماده، استنکاف مرد از پرداخت نفقه علاوه بر جنبه جزایی،^۱ جنبه حقوقی نیز دارد. این ماده برگرفته از روایاتی است که در سطرهای بالاتر ذکر شد و در آن بیان شد که حاکم مرد را به انجام یکی از دو کار مجبور می‌کند؛ یا پرداخت نفقه یا طلاق زن.

۶. ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی نیز بیان می‌کند که زن مستقلاً می‌تواند هر تصرفی را در دارایی خود انجام دهد.

۱. مطابق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، در این صورت مرد به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

۳-۶. منشور حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام جمهوری اسلامی ایران

- در فرازهای متعددی از منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی، به حق زنان در انتخاب کار تصریح شده است؛ برای نمونه برخی از فرازها نقل می‌شوند:
۱. فراز ۱۰۱: «حق اشتغال بعد از رسیدن به سن قانونی کار و آزادی انتخاب شغل و به کارگیری سرمایه‌های فردی و مسئولیت رعایت قوانین اسلامی در کسب درآمد و نحوه مصرف آن».
 ۲. فراز ۱۰۴: «حق معافیت زنان از کار اجباری، خطرناک، سخت و زیان‌آور در محیط کار».
 ۳. حق برخورداری مادران از امنیت مادی و معنوی به ویژه در ایام سالمندی و از کارافتادگی، حق بهره‌مندی از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی، درمانی مناسب جهت پیشگیری از بیماری و درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی زنان.
 ۴. حق و مسئولیت آگاهی و کسب مهارت‌های لازم در مدیریت خانه و خانواده، تربیت و پرورش فرزند و مقابله با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی.
 ۵. حق دریافت دستمزد از همسر در برابر انجام امور خانه‌داری در صورت تقاضا و حق حمایت از تأثیر کار زن در منزل بر اقتصاد خانواده و درآمد ملی.
 ۶. حق برخورداری از تأمین اجتماعی و تسهیلات اقتصادی (جمعی از اندیشمندان مسلمان، ۱۳۸۵: ۱/۱۸-۲۵).

۴-۶. قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام

این قانون نیز مقرر داشته:

... همه افراد اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند.

همان‌طور که ملاحظه شد، قانون با رعایت سه شاخصه به زن و مرد اجازه کامل می‌دهد که هر شغلی را که مایل‌اند انتخاب کنند. این سه شاخصه عبارت‌اند از: عدم مخالفت با اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران. از طرف دیگر همان‌طور که گذشت

در مکتب اسلام، شغل شامل هر کار مفیدی است که برای خود انسان و دیگران منفعت مادی و معنوی داشته باشد و از سوی دیگر بیان شد که روح انسان برای تعالی نیازمند کار است، پس می‌توان چنین استنباط کرد که زن نیز اگر کار خانه‌داری را انتخاب کرد - که نه تنها مخالف شرع و مصالح عمومی و حق دیگران نیست بلکه در راستای تحقق اهداف آنهاست و بالاتر اینکه به تحقق اهداف کمک می‌کند - پس در قبال کاری که هم برای خودش مفید است و هم دیگران، شایستگی دریافت دستمزد پیدا می‌کند، بلکه از آنجا که این کار، بسیار مهم و تأثیرگذار در جامعه است به طوری که هسته اولیه و بنیادین جامعه را می‌سازد، نسبت به دیگران در دریافت حق الزحمه اولویت دارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق با رویکرد نگاه عادلانه به «خانه‌داری زنان» نتایجی به دست می‌آید که عدم توجه به آنها و غیر فعال تلقی کردن جمعیتی که بیشترین فعالیت را دارد، لطمه‌ای بزرگ به اقتصاد و فرهنگ کشور وارد می‌کند که نتیجه‌اش خموده شدن طیف وسیعی از زنانی است که به خانه‌داری مشغول می‌باشند و ۲۵ درصد جمعیت کل کشور و نیمی از جمعیت زنان جامعه را تشکیل می‌دهند.

این جمعیت مانند سایر افراد خانواده، باری از مسئولیت خانه و خانواده را به دوش می‌کشند. بنابراین باید به عنوان تولیدکننده یا ارائه‌کنندگان خدمات به آنان نگریسته شود، نه به عنوان افراد غیر فعال در اقتصاد کشور، که متأسفانه این نکته از دید اقتصاددانان پنهان مانده است و نه تنها مناسبات اقتصادی و تولیدی زنان در آمارهای ملی و رسمی منعکس نمی‌شود، بلکه ارزش افزوده حاصل از کار آنان و مسئولیت‌هایی همچون فرزندآوری و تربیت فرزندان نیز محاسبه نمی‌شود.

این در حالی است که این گونه فعالیت‌های زنان باید حمایت شود؛ چرا که در نگاهی منصفانه و عادلانه، زن مرکز و کانون اصلی جامعه حساب می‌شود؛ از این جهت که هسته و کانون اولیه جامعه خانواده است و کانون و مرکز خانواده نیز زن می‌باشد که با تربیت صحیح فرزندان و انرژی‌بخشی به دیگر اعضای خانواده، به آنها جهت و حرکت و نشاط می‌دهد و این امر موجب می‌شود که جامعه نیز رونق و حرکت

و کمال یابد؛ چرا که افراد جامعه دارای انگیزه لازم برای پیشرفت هستند. این امر محقق نمی‌شود جز در پرتو زنان سالم، هدفمند، عالم و باانگیزه. در این راستا، دولت‌ها موظف‌اند برای ارتقای دانش، مهارت و توان زنان خانه‌دار و نیز تأمین آینده آن‌ها برنامه‌ریزی کنند.

جایگاه مادری و همسری برای بانوان در فرهنگ ما، با مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها و تعهدها همراه است که هیچ زنی نیز منکر آن‌ها نیست و اگر ارزش مالی این تلاش‌ها محاسبه می‌شود، برای اثبات ارزش واقعی این تلاش‌هاست. ضمن اینکه محبت و تعهدی که زنان خانه‌دار همراه تلاش‌های مستمر خود در خانه دارند، با هیچ معیاری قابل سنجش و ارزش‌گذاری نیست و خود این محبت‌ها و مسئولیت‌پذیری‌ها، نیروی محرکه‌ای کم‌نظیر است تا زنان را وارد عرصه سازندگی کند.

برخی از برخوردها و نگاه‌های ناعادلانه باعث شده است که در حق این بخش عظیم از جامعه، ظلم و اجحاف صورت گیرد و زنان خانه‌دار، نابرابری و عدم عدالت را درباره خویش احساس کنند؛ از جمله این نگاه‌ها، رده‌بندی فعالیتی و شغلی مرکز آمار ایران است که از رده‌بندی‌های خارجی و بین‌المللی گرفته شده است. در حالی که باید با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور و بر اساس آموزه‌های دینی و منطق عدالت تغییر داده شود.

از آسیب‌های این نوع رده‌بندی‌ها که منجر به ظلم و بی‌عدالتی در حق گروهی از افراد جامعه شده، این است که رده «خانه‌دار» بر اساس آموزه‌ها و رده‌بندی‌های کشورهای غربی و صنعتی که بین خانه و محل کار جدایی انداخته و ایجاد دوگانگی کرده‌اند، تعریف شده است، در حالی که این تعریف در ایران و به ویژه در روستاها که خانه و محل کار به هم گره خورده‌اند، معنایی ندارد.

همچنین این تعریف با آموزه‌های دینی که ارزش فراوانی برای خانه‌داری قائل شده و همسر و مادر خانه را منزلتی رفیع بخشیده است، سنخیتی ندارد.

از طرف دیگر، ارزش‌گذاری اجتماعی و فرهنگی کار خانگی زنان از لحاظ روانی، باعث آرامش، قوت قلب و افزایش کار خانگی می‌شود که تأثیری بسزا در افزایش بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف جامعه و کمک به اقتصاد مقاومتی دارد.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت و نقش خانه‌داری در جامعه اسلامی از زاویه‌های گوناگون و برای رسیدن به هدف برقراری عدالت در حق زنان خانه‌دار و رفع هر گونه تبعیض در مورد آنان، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

۱. پژوهش‌هایی با روش علمی در سطح کلان ملی در تمامی نقاط کشور صورت گیرد تا سهم ارزش افزوده زنان خانه‌دار در سرانه و تولید ناخالص ملی مشخص شود.
 ۲. کار خانه‌داری بانوان به عنوان یک فعالیت اقتصادی - اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های توسعه کلان کشور در نظر گرفته شود و زمینه‌های لازم جهت تحقق آن فراهم شود.
 ۳. با توجه به ارزش افزوده کار خانه‌داری، لازم است که نهاد «حمایتی اجتماعی - اقتصادی زنان خانه‌دار» با توجه به مقدار ارزش افزوده تولید زنان خانه‌دار تشکیل شود تا زمینه حضور بیشتر آنها در خانه و خانواده و تربیت صحیح فرزندان و ایفای وظایف مادری و همسری فراهم آید.
 ۴. هرچند چند سالی است که برنامه حمایت‌های پوششی تأمین اجتماعی با شرایطی شامل حال برخی از زنان خانه‌دار می‌شود، به دلیل نقایصی که در متن به آن‌ها اشاره شد، پیشنهاد می‌گردد:
- الف) پرداخت مبلغ ماهیانه بیمه زن به صندوق تأمین اجتماعی توسط همسر وی الزامی گردد.
- ب) دولت از بیمه زنان خانه‌دار حمایت بیشتری به عمل آورد؛ برای مثال، درصدی از هزینه ماهیانه پرداختی به صندوق تأمین اجتماعی را تقبل کند.
۵. بسیار مناسب است که بیمه زنان خانه‌دار با ملاک «شغل خانه‌داری» راه‌اندازی شود. در این باره، ایجاد «سازمان نظام تأمین اجتماعی و رفاهی زنان خانه‌دار» به نسبت ارزش افزوده اقتصادی کار آنان در منزل، در جهت تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی این قشر پیشنهاد می‌گردد.
 ۶. رسیدن به «اجماع نظر کلی» در مسائل بانوان به ویژه زنان خانه‌دار، به طوری که تغییر دولت‌ها و نهادهای حکومتی باعث تغییر آن نشود.

۷. مردان با حمایت‌های روحی و اقتصادی از زنان، باعث ایجاد نشاط و انگیزه مضاعف آنان جهت فعالیت بیشتر در خانه شوند که این امر نیاز به «فرهنگ‌سازی کلان» دارد.

۸. فرهنگ‌سازی کلان کشوری برای منزلت بخشیدن به کار خانه. این امر نه تنها باعث می‌شود که خانه‌داری به عنوان یک «شغل مقدس و پراجر»، جایگاه حقیقی خود را باز یابد، بلکه زنان با این باور که کار خانه‌داری آنان به عنوان یک «شغل» باعث افزایش سرانه ملی می‌گردد، با افتخار به این مهم اشتغال می‌یابند و خود را فرد مفیدی برای خانواده و جامعه می‌دانند و این تفکر که خدمت به جامعه در بیرون خانه محقق می‌شود، اصلاح می‌گردد.

کتاب‌شناسی

۱. نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، قم، مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، المسند، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۶ ق.
۴. ابن سعد، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. باقری، شهلا، «ارزش افزوده کارخانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن»، مجله علمی - پژوهشی زن در توسعه و سیاست، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره نهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۷. همو، اشتغال زنان در ایران؛ درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۲ ش.
۸. بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۹. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. توسلی، غلامعباس، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، سمت، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. جاویدی، مجتبی، قاموس عدالت (مبانی نظری مفهوم عدالت در دیدگاه مقام معظم رهبری)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق خانواده، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶ ش.
۱۴. جمعی از اندیشمندان مسلمان، «پیش‌نویس منشور حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی»، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. جهانگیر، منصور، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دوران، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. خوانساری، سیداحمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، سوریه، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. سیوری حلی (فاضل مقداد)، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، کنز‌العرفان فی فقه القرآن، قم، مرتضوی، ۱۴۲۵ ق.
۲۱. شعیری، تاج‌الدین محمد بن محمد، جامع الخیار، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، التوحید، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۲۳. همو، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة، چاپ قدیم، قم، مؤسسه آل‌البتی، بی‌تا.

۲۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، تهران، میزان، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. عاملی جبعی، زین الدین بن علی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقیه، بیروت، دار العالم الاسلامی، بی تا.
۳۰. همو، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی حقوق اساسی، تهران، مجد، ۱۳۸۸ ش.
۳۲. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصاد، تهران، البرز، ۱۳۷۱ ش.
۳۳. قاضی عیاض، ابوالفضل عیاض بن موسی یحیی اندلسی، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
۳۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، تهران، مدرس، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ ق. و تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۶. گیدنز، آتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۳ ش.
۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. محقق داماد، سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، علوم اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۳۹. مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، حکمت، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. همو، «نظری بر نظام اقتصادی اسلام»، مجموعه آثار، تهران، صدرا، بی تا.
۴۱. منتظری نجف آبادی، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، قم، تفکر، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. موسی، حسین یوسف و عبدالفتاح صغیدی، الافصاح فی فقه اللغة، قاهره، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴۳. مهریزی، مهدی، «عدالت به مثابه قاعده فقهی»، فقه پژوهی، دفتر اول، ارشاد، ۱۳۷۸ ش.
۴۴. میرجلیلی، فاطمه و رضا مقدس، گزارشی درباره نقش زنان خانه دار در اقتصاد و تولید ناخالص داخلی کشور (GDP)، تهران، کمیسیون آموزش و تحقیقات دفتر مطالعات اقتصادی مجلس، ۱۳۸۴ ش.
۴۵. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۴۶. نوری طبرسی، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۴۷. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مبانی کلی نظام)، تهران، میزان، ۱۳۸۴ ش.

